**مطلب نود و پنجم \_ لوح قد اتی الموعود**

در لوح ابن اصدق نازل قوله تعالی :

**بسمه المهیمن علی ما کان و ما یکون**

کتاب الله امام وجوه ما سواه ناطق و بکلمه مبارکه قد اتی الموعود مبشر لعمر الله جذب ظهور بر سدرة المنتهی زد حفیفش مرتفع و بر انهار زد خریرش ظاهر و بر بحار زد لئالی علم و حکمت که از اول ابداع الی حین مکنون و از ابصار عباد مستور چون شمس مشرق و چون نور ساطع گشت سبحان الله بیقدری احزاب بمقامی رسیده که حق جل جلاله اسرار کتاب را ستر فرموده صهیون ندا مینماید اورشلیم بعیش مشغول از جهت یمین کرمل میگوید ای اصحاب کنائس ملوک و مملوک قرنها و عصرها منتظر بودند و حال محبوب امکان امام وجوه ظاهر و شما غافل ای دوستان دوست حقیقی ظاهر و نیر جود باراده سلطان وجود مشرق و لائح چرا غافل شده‌اید آیا بقصور از مکلم طور محرومید یا بثروت از این نعمت کبری غافل شده‌اید مطلع عدل آمده مظهر جمال آمده شعب خود را در هر دیار ذکر مینماید و کل را بملکوت قرب و لقا دعوت میفرماید یا اوراق سدره و اثمارها مظلوم در سجن عکا بذکر شما مشغول چرا متوقفید نور اقبال از مطلع وصال مشرق چرا خود را متحیر دارید نورش بمثابه نار ظاهر و ندایش فوق کل مرتفع ای عباد شما نهالهای وجود منید بید عنایت غرس نمودم و از امطار سحاب فضل آب دادم آن آبی که در هر کتابی مذکور و از اقلام فضل و عطا مسطور حال وقت اظهار خدمت شماست و هنگام ظهور محبت بقدرت الهی و قوت صمدانی قصد مقصد اقصی و ذروه علیا نمائید یا شعبی فی برلین آنکه گفت میآیم آمد و آیات عنایتش عالم را احاطه فرموده آن دوست یکتا آمده آن یار بی‌همتا حجاب را شق نموده بشتابید وقت حضور است بیائید بیائید کنز مکنون ظاهر گنج مستور باهر وعده‌های کتاب ظاهر شده اشارات صحف مشاهده گشته خود را محروم منمائید و بی‌نصیب مگردانید یابن اصدق المقدس ارض خا را از قبل مظلوم تکبیر برسان و بگو یا مشهد مقامت را فراموش مکن از عنایات حق جمیع ارض خا مجدد بدم رضا مزین گشت تعالی هذا الفضل الاعلی ...